



19 سپتمبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

«نهضت زنان را رنگ سیاسی ندهید!»

دیروز مقاله ای تحت عنوان "زنان سیاه پوش طالبانی - محصول مدرسه اشرف المدارس" را در این پورتال به نشر سپردم که به استناد یک گزارش بی بی سی درباره "زنان سیاه پوش" در یکی از مدارس دینی در شهر کندهار نگاشته شده بود و هفت سال قبل در اول مارچ 2014 آنرا در این پورتال نشر کردم. در این روزها حضور زنان سیاه پوش در کابل که نخست در تالار پوهنتون تعلیم و تربیه جمع نموده و طی بیانیه ها بر مشروعیت دینی روش طالبان در برابر زنان مهر تائید گذاشتند و سپس به حمایت از طالبان به یکی از جاده های کابل به راه پیمائی پرداختند، منظره ای بود که مردم را به تعجب واداشت، چون این رویداد در محضر عام و به حیث یک حرکت سیاسی قبلاً در کشور نظیر نداشت.

در ارتباط با همین موضوع همین چند ساعت قبل یک مقاله بسیار دلچسپ و مهم را خواندم که بقلم جناب داکتر زمان ستانیزی تحت عنوان "نهضت زنان را رنگ سیاسی ندهید!" نوشته شده و در نشریه "تاند" مورخ 19 سپتمبر 2021 به نشر رسیده بود. محتوای این مقاله و نکات مهم مندرج آن که بر اجتناب از سیاسی شدن مبارزه زنان تأکید میکرد، مرا واداشت تا به باز نشر آن در این پورتال وزین بپردازم. واقعاً این نکته که نهضت زنان جهت احقاق حقوق حقه طبیعی آنها بسیار بزرگتر از آنست که در قالب سیاستگرانی محدود و منحصر گردد، یک موضوع قابل دقت است که نباید از مبارزه زنان برای بهره برداریهای سیاسی به اشکال مختلف توسط گروه های سیاسی استفاده شود. سیاسی شدن حقوق زنان در کشور نه تنها این مبارزه را از کلیت آن بیرون میکند و به حاشیه می برد، بلکه به مؤثریت و عاملیت آن صدمه می رساند. به همین دلیل خواستم این مقاله پرمحتوی را در اینجا عیناً اقتباس و جهت مطالعه علاقمندان گرامی تقدیم دارم:

نهضت زنان را رنگ سیاسی ندهید!

نوشته: داکتر زمان ستانیزی - استاد الهیات و عرفان در پوهنتون مطالعات عالی پسیفیکا در کلیفورنیا
منتشره: تاند، مورخ 19 سپتمبر 2021

مبارزه برای تساوی حقوق زنان افغانستان جز لایتجزای مبارزات تساوی حقوق زنان جهان است که در این مقطع تاریخ در افغانستان به چالش بیشتر کشیده شده.

اخیراً شاهد تظاهرات تمسخرآمیز زنان به جانبداری از طالبان در کابل بودیم که گویا خود زنجیر اسارت سؤ تعبیرات قرآنی اسلامگرایی افراطی را به گردن کشیده بودند. رنگ سیاه لباس زنان با پرچم سفید طالبان تضاد فکری مردسالاری طالبان و سیاه روزی زنان افغانستان را تمثیل می کرد. در این بازی شطرنج که سرنوشت ملت افغانستان را تعیین می کند زنها از فرق سر تا کف پا چنان پوشانیده شده بودند که به معنی لغوی «لشکر کُفار» یعنی لشکر ملفوف بیش نبود که تناقض آن در تظاهر شان فریاد می زد، چون این خیمه های متحرک عزا رنگ صرف نظر از ناراحتی مشهود آنها که در عبور و مرور جاده های مزدحم خطر مرگ و میر ایجاد می کرد، نه در تاریخ بشریت در کدام جامعه جهانی مثال آن دیده شده، نه با اقلیم سرزمین ما سازگار است، نه با احکام قرآن مطابقت دارد، و نه به رسم و عرف مردم ما احترام می گذارد. عرفی که برای آن وزارت «أمر بالمعروف» هم ساختند.

سؤال اینجا است، در طبیعت این ستم بالای هیچ حیوان و نبات روا داشته نشده. پس مردها به کدام صلاحیت به خود حق می دهند هر چه دل و طبیعت شان خواست بپوشند، ولی همین حق را به زن نمی دهند؟

همزمان شاهد تظاهرات دیگری در اروپا بودیم که در آن برای تساوی حقوق زنان افغانستان شعار می دادند، ولی نه زیر پرچم ملی افغانستان. اگر منظور مظاهره به خاطر دفاع از حقوق زنان افغانستان بود، باید زیر بیرق ملی افغانستان تنظیم می شد، ولی اگر مظاهره از کدام جریان سیاسی بود، می توانستند آنرا زیر پرچم همان گروه سیاسی

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پاروالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولی

تنظیم کنند. در چنین مرحله حساس که جهانیان متوجه گفتار و کردار ما هستند، اقلاباً باید تظاهر ما در منافقت نباشد. لازم است همرنگی و همبستگی و هم‌پذیری را در اعمال خود تمثیل کرد، نه فرقه زدایی را.

تناقضات هردو نوع مظاهره نشان داد که زنه‌های افغانستان هنوز هم ناخودآگاه در بازی خشونت مردسالاران صرف نقش وسیله را ایفا می‌کنند و ابتکار عمل هنوز هم در دست مردان جنگجو صلح ستیز است که در تظاهر به دفاع از حقوق زن از نام زن بهره برداری سیاسی می‌کنند.

برای داعیه نهضت زنان در افغانستان هردو نوع این تظاهرات نه تنها در اغوا مضر است، بلکه در عمل هم خطرناک است. زیرا با ایستادن زیر این پرچمها زنها از نگاه سیاسی طرف واقع می‌شوند، مبارزه تساوی حقوق زن رنگ سیاسی می‌گیرد، و در شرایط نابسامان افغانستان در لجابت رقیبان بی رحم در ردیف مخالفین سیاسی این یا آن گروه قرار می‌گیرند و خشم و خشونت که لابد ایجاد می‌شود ممکن تعداد زنانی را از مبارزه منصرف سازند. نگارنده مبارزه حقوق انسانی زن در قدرت طلبی جنگسالاری و زنستیزی «شریعت کاذب» رنگ شود.

آزادی زن نه از توجه غرب است، نه از توجه شرق، نه نمایش طالب است نه فرمایش ملا. آزادی زن حق فطری و ذاتی و انسانی زن است. زن به حیث زن حق ندارد، بلکه به حیث انسان حق دارد که تساوی حقوق زن و مرد شامل حرمت به کرامت هردو است. فقط همین.

برای فایق آمدن بر اهداف درازمدت مبارزه تساوی حقوق زنان معقول به نظر می‌رسد که صرفنظر از هم‌جهتی اهداف، این مبارزه نباید زیر شعاع مبارزات دیگر قرار گیرد:

1- به این دلیل که مبارزه تساوی حقوق زنان جهانی و بزرگتر است و نباید زیر پرچم مبارزات سیاسی کوچکتر قرار گیرد.

2- اینکه در شرایط متشنج رقابتهای سیاستهای «مردانه» کشور اگر نهضت زنان رنگ سیاسی می‌گیرد، مشروعیت داعیه حقوق زن زیر سؤال می‌رود.

3- برای اذهان متحجر اکثریت روستایی افغانستان بهانه‌های بیشتر پیدا می‌شود که در راه پیشرفتهای نهضت زنان موانع ایجاد کنند.

روی دلایل فوق مبارزه نهضت زنان باید همیشه بر محور تساوی حقوق بچرخد و نه در حاشیه مبارزات سیاسی دیگر. باید کوشید تا خواسته‌ها زنان افغانستان جز برنامه‌های مبارزات جهانی زنان گردد تا از حمایت سازمانهای جهانی نهضت مستفید شوند. علاوه بر آن از موضعگیریهایی تنگنظرانه هویتی باید فاصله گرفت، و در عوض به مسأله از دیدگاه جهانی گسترده تر نگاه کرد.

بعضی‌ها به سخنرانی ملاله یوسفزی در ملل متحد در دفاع از حقوق زنان افغانستان اعتراض کرده بودند که گویا او از زنان افغانستان نمایندگی نمی‌کند. اینجا نمایندگی سیاسی یا کشوری مورد ندارد، بلکه نمایندگی از یک داعیه جهانی مطرح است. اگر در شرایط کنونی منظور از تظاهر در برابر استبداد زنستیزانه طالبان باشد، چه بهتر که سخنگوی داشته باشیم که هم در طفولیت به جرم تعلیم قربانی همین استبداد طالبانی گردیده بود و هم امروز مؤثرترین صدا در مقابل چنین زن ستیزی به سطح جهانی شناخته شده. زنان افغانستان باید به هر صدا، از هر کشور و هر قاره جهان، از هر دین و هر مذهب دنیا که در دفاع از حقوق آنها بلند می‌شود لبیک بگویند.

در این راستا باید از استدلالهای قیاسی خصوصاً قیاس معالفارق فاصله گرفت اینکه مثلاً در دموکراسی غرب به نام آزادی از زنها استفاده‌های سوء می‌شود، یا اینکه میلیتاریزم کمونیستی مثلاً در چین و کوریای شمالی زنان را اله دست سیاستمداران قرار می‌دهند. ولی این واقعیت‌های تلخ دلیل شده نمی‌تواند که زن آزادی نداشته باشد، بلکه فرصت است تا از تکرار چنین سوء استفاده از زنها جلوگیری به عمل آید چه در بردگی جنسی در غرب، چه در بردگی پرولیتاری در شرق، چه در بینی بریدنها و ازدواجهای جبری در بین شرق و غرب. زیرا اگر اولی دموکراسی را قلابی می‌سازد، دومی سوسیالیزم را تمسخر می‌کند، و سومی اسلام و اسلامگرایی را بدنام می‌سازد.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ

در هیچ کدام از این جوامع به مقام مادری یک زن احترام گذاشته نمی شود. مردها هستند که می جنگند، می رزمند، می بُزند، می بُرند، می درند، می شکنند، و... صحنه های جنگهای خانمانسوز که همین اکنون جوامع ده ها کشور جهان را به آتش کشیده، صد ها هزار را کشته، میلیونها انسان مظلوم را آواره ساخته اند همه و همه از تسلط و حاکمیت ذهنیت مردسالاری متأثر و متضرر گردیده اند.

مبارزه برای تساوی حقوق زنان نه به تنهای کار زنان است، نه صرف به زنان مربوط می شود، و نه باید صرف در جنسیت توصیف شود. باید مردان روشن ضمیر و آگاه در پهلوی مادران و خواهران خود بایستند و از حقوق آنها، که حقوق مشترک همه ما است، دفاع کنند.

زنها باید همچنان قداست فرهنگی خود را تصاحب کنند و بدانند که به همان اندازه که زنان ناموس مردان هستند، مردان هم ناموس زنان هستند. ناموس را نباید در انحصار جنسیت تعریف کرد.

زنها باید بدانند که حقوقی را که خداوند به زن داده به خاطر زن بودن او نیست، بلکه به خاطر کرامت انسانی او است که در «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» تصریح شده. چون خداوند به زن و مرد حق داده، اینجا صلاحیت تفویض حق مورد ندارد. پس مرد برای زن حق داده نمی تواند. اضافه بر آن مردها مکلفیتهای در برابر زنها دارند که مثلاً اگر شرایط کار و شغل مناسب استعداد برای زنان مساعد نباشد، چنانکه در زمان نزول قرآن نبود، مردها به استناد قرآن به تهیه اعاشه و ابانت زنها مکلف گردانیده شده اند:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...»

قسمت دوم این آیت یعنی «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» دلیل مکلفیت مردها را به صراحت توضیح می کند. اگر این آیه را درست می فهمیدند، وزارت امور زنان را لغو نمی کردند چون آن وزارت برنامه های داشت برای هزاران زن نان آور خانه که عهده دار آذوقه اولادهای یتیم شان هستند. تعویض وزارت زنان به وزارت «معروف» و «منکر» نشان می دهد که تحمیل عبادات با تهدید شلاق مهمتر است از لقمه نانی که مادر بی بضاعت برای اولادهای یتیمش تهیه می کند.

آمار و احصائیة جهانی نشان می دهد که افغانستان پرحادثه ترین، خطرناکترین، و مهلکترین سرزمین برای زن و زن بودن است. جای تأسف است که این اختناق و استعمار بیشتر از پیش به نام اسلام بر پیکر اکثریت جامعه تحمیل می شود.

در اسلام قرآنی زن نه تنها حقوق مساوی با مرد دارد، بلکه از روی مکلفیتهای اخلاقی که قرآن به عهده مرد گذاشته، زن حقوق بیشتر از مرد دارد که حدیث «الجنة تحت الامهات» بر آن مهر صحه می گذارد:

به امید روزی که سرنوشت سیاسی جهان به قلم زن نوشته شود تا با شمشیر مرد، و معیار برازندگی و شهامت چنان در زنانگی توصیف شود که در مردانگی تعریف می شود. به آرزوی روزی که مردان بر خوی و خلق و خصلت خردمندی و خردورزی زن رشک برند.

زن زبانه هستی و الهه روی زمین است، زن زیباپسند خالق زیباییها است، زن مادرصفت پرورشگر حیات است. پس نباید این خوش خلق زیباسرشت را در بند تحریم و تکفیر و تحقیر تشهیر کرد.

باید به این اوصاف زن قدر و منزلت و احترام گذاشت و به او فرصت داد تا جامعه را از ویرانکاریهای پیاپی مردسالاری نجات دهد تا در سیاق خلاقه زن-مادری جهان را آباد کند و در وجاهت آن وثیقه فردای بشریت را با رنگ «عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» بنویسد. (پایان مقاله داکتر زمان ستانیزی و تشکر از نشریه وزین "تاند")

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ